

# گزارشی از تذکره ممیز درباره «صید ماهی نوروزی» در منطقه خزل از بلوکات نهاوند در عصر قاجار

علیرضا خزایی

| ۵۵۹ - ۵۶۷ |

۵۵۹

آینه پژوهش | ۲۰۹

سال ۳۵ | شماره ۵

آذر دی ۱۴۰۳



ایل خزل من جمله ایلات لک ایران به شمار است که مردمان این ایل، به گویش لکی خزلی تکلم می‌دارند<sup>۱</sup> و پراکنش جمعیتی طوایف و تیره‌های این ایل را می‌توان در استان‌های کرمانشاه، ایلام، همدان، لرستان، مازندران و به واسطه مهاجرت‌های صورت پذیرفته در دهه‌های اخیر، در غرب استان تهران نیز بازجست.<sup>۲</sup> مسکن اصلی ایل خزل، منطقه خزل است که دست‌کم از روزگار حکومت قاجاریه، در زمره بلوکات نهانند به حساب بوده و امروزه خود مطابق نظام اداری جدید، منقسم به چهار دهستان خزل شرقی، سلگی، خزل غربی و کرماجان<sup>۳</sup> گردیده است و از قرار تقسیمات کشوری، دهستان‌های خزل شرقی و سلگی ذیل بخش خزل در تابعیت اداری شهرستان نهانند از استان همدان و دهستان‌های خزل غربی و کرماجان در تابعیت اداری بخش مرکزی شهرستان کنگاور از استان کرمانشاه قرار یافته‌اند. علیرغم آنکه از دیرباز، منطقه خزل از بلوکات نهانند را، که مسکن ایل خزل بوده و بخش قابل توجهی از طوایف و تیره‌های ایل خزل روزگارشان در آن حدود گذشته است به همین نام بازخوانده‌اند و خوانین مشهوری در تاریخ غرب کشور، نظیر سلطان ملک میرزاخان خزل، بیگ میرزاخان خزل، محراب‌خان خزل، نامدارخان خزل، طهماسب‌خان خزل، اسدالله‌خان ضرغام‌السلطان خزلی، حسن‌خان شهاب‌لشکر خزلی، مهرعلی‌خان شجاع‌لشکر خزلی و قس<sup>۴</sup> از میان ایشان برخاسته‌اند، از غور در مقالات و تفحصات مربوطه می‌توان دریافت که هیچ‌یک از محققانی که پیش‌تر درباره ایل خزل به سخن گفتن برآمده‌اند، بر منطقه خزل جز در مطالعات اسنادی و فرهنگ پژوهی، واقعی

۱. به جهت مقدماتی درباره خانواده گویشی لکی که از آن به «زبان لکی» تعبیر شده است و ارتباط با آن گویش‌های خانواده‌های زبانی گُردی و لری، که از ایشان نیز در نظر عامه، به «زبان‌های گُردی و لری» تعبیر گردیده‌اند، بنگرید به: شهسواری، ۱۴۰۲؛ و تعلیقات صاحب این کلک بر پاره‌ای مندرجات مقاله‌ای دیگر: همزه‌ای، ۱۴۰۲.
۲. صورت پراکنش مذکور مبتنی است بر تحقیقات میدانی و اسناد و مدارک فراهم آمده و مربوطه در آرشیو خصوصی صاحب این کلک، که ترتیباً در سلسله یادداشت‌ها و مقالات آینده انتشار خواهند یافت.
۳. دهستان کرماجان به مرکزیت روستای کرماجان، متشکل است از برخی قراء، که به لحاظ تاریخی در حدود جغرافیای منطقه خزل و مالکیت و سکونت ایل خزل و برخی قراء دیگر، که از جهت تاریخی، در حدود «کنگاور افشار» که اصطلاحی است معمول از قدیم به جهت تعیین حدود مالکیت اهالی شهر کنگاور و خوانین ساری-اصلانی از تیره آدخلوی افشارهای خمسه (زنجان) حاکم در کنگاور، جای می‌یابند.
۴. شمار کثیری از اسناد و مخطوطات خوانین، کدخدایان و ریش سفیدان ایل خزل ساکن در دهستان‌های خزل شرقی (تابع شهرستان نهانند، استان همدان) و خزل غربی (تابع شهرستان کنگاور، استان کرمانشاه) در آرشیو خصوصی صاحب این کلک جای دارند و بعدتر ذیل مقالات و کتابی مفصل درباره ایل خزل انتشار خواهند یافت.

نگذارده‌اند<sup>۱</sup> و منطقه طرف نظر و ساکنانش را در تحقیقات کلیه و جزئیه خویش درباره ایل خزل، داخل نداشته و ایشان را از قلم انداخته‌اند.<sup>۲</sup> اجمالاً آنکه حتی محققانی که در تاریخ نهاوند نیز قلم زده‌اند، منطقه خزل را که از بلوکات نهاوند بوده است در نظر نیاورده‌اند و چنانکه از تحقیق در آثار ایشان بر خوانندگان هویدا خواهد گشت، جز به فراخور نیازشان و عدم امکان پرهیز از برنشمردن نام ایل خزل، اشارتی بر منطقه خزل و خوانین آن نداشته‌اند.<sup>۳</sup> با این همه، صاحب این کلک برآن است تا بعدتر و در قالب اثری مستقل، حسب اسناد و مکتوبات محفوظ در مجموعه خانوادگی خویش و مجموعه‌های خصوصی دیگر اخلاف نسبی و سببی خوانین ایل خزل نهاوند که در اختیار اوست، درباره تاریخ خوانین ایل خزل نهاوند، اثری مستقل را تدوین و منتشر دارد و امید است که آن کتاب، خلاء حاضر مبنی بر عدم پرداختن به تاریخ ایل خزل نهاوند را برطرف نموده و زمینه‌ساز توجهات بعدی به تاریخ، فرهنگ و زبان ایل خزل نهاوند باشد.

۱. شماری از آثاری که ایل خزل ساکن در منطقه خزل توجهی داشته‌اند عبارت‌اند از: جالوند (۱۳۷۸)، که بازخوانی نیمه نخست کتابچه جغرافیای ولایت نهاوند و خزل، مؤلفه سنه ۱۲۹۸ ه.ق است به فرمان عبدالصمد میرزا عزالدوله که حکومت ولایات ثلاثه نهاوند، ملایر و تویسرکان در آن وقت با او بوده است؛ موسیوند (۱۳۸۵)، که متضمن چهار مورد از اسناد کتابخانه ملی درباره مسئله مالیات ایل خزل در سنه ۱۳۲۸ ه.ق است؛ خزایی (۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲)، که مندرجات ایشان ترتیباً متضمن لالایی‌ها، ترانه‌های کودکانه و امثال الحکم مردم ایل خزل نهاوند است.

۲. از آن جمله‌اند: رضوانی گیل‌کلایی (۱۳۷۷)، که اثرش بر بررسی خصائل انسانی-اقتصادی ایل خزل در ایلام تمرکز یافته است؛ موسوی‌زاده (۱۳۹۵)، که ایل خزل را به خطایی ناصواب در زمره ایلات لر جای داده و در وقت سخن گفتن از خصائص گونه‌گون ایل خزل نیز تنها به طوایف خزلی مسکن گزیده در ایلام پرداخته است؛ نوراللهی (۱۴۰۲)، که ساختاری اجتماعی-سیاسی طوایفی از ایل خزل را که در ایلام مسکن گزیده‌اند طرف بحث قرار داده و تحقیق مذکور علیرغم بدیع بودن، متضمن برخی خطایا و خیاباست که در وقتی دیگر طرف بحث خواهند افتاد؛ و محمدی (۱۳۷۶) نیز اساس کار خویش را بر برخی شفاهیات مجادله‌آمیز و ناموثق استوار ساخته است.

۳. فی‌المثل آقای علی‌اکبر افراسیاب‌پور، ذیل فصل «سفر ناصرالدین شاه قاجار به نهاوند» از کتاب تماشای جان (ایران‌شناسی-نهاوند‌پژوهی)، که تلخیصی است سهل و روان از گزارش تفصیلی و پر جزئیات ناصرالدین شاه قاجار، نام «نامدارخان خزل» را که سرکردگی سواره خزلی از فوج نهاوند را در عهده داشته است و ناصرالدین شاه قاجار نیز در وقت سان دیدن از سواره خزل، از او سخن به میان آورده است را در سیاهه خویش از شخصیت‌های نهاوندی نام رفته در تلخیص مذکور، از قلم انداخته و نام مذکور را ضبط نموده است (برای تلخیص مذکور بنگرید به: افراسیاب‌پور، ۱۳۸۰: ۲۲۹-۲۴۱؛ برای اشاره ناصرالدین شاه قاجار به سواره‌های خزل به سرکردگی نامدارخان خزل و اقبای او، بنگرید به: ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۹۷: ۲۵۹).

## درباره تذکره ممیز

تذکره ممیز یا تذکره ناقص شعراء، عنوانی است به جهت تذکره‌ای مجهول‌المؤلف و عنوان با شماره ۱۹۳۰۰ از جمله مخطوطات محفوظ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، که حسب اشارت نگارنده‌اش در مندرجات اثر، می‌توان اذعان داشت که نگارنده آن در سال ۱۲۵۰ ه.ق در دارالسلطنه تبریز مشغول به خدمت و هم‌نشینی آقا جواد فرزند ملانجفعلی بادکوبه‌ای، که در شعر فانی تخلص نموده است، بوده و چند صباحی نیز در باقی عمر به تعدیل مالیات نهاوند و ممیزی آنجا اشتغال داشته و مدتی نیز مأمور اصفهان و ساوه بوده است.<sup>۱</sup> او به تاریخ سوم شهر شوال سال ۱۲۶۲ ه.ق در مدرسه دارالشفاء تهران، که بنایش به خواست فتحعلیشاه قاجار و از ثمرات قرارداد فینکنشتاین بوده است، توفیق به ملاقات میرزا محمد جواد شیرازی متخلص به حاجب یافته و می‌توان اذعان داشت که محتملاً در آن وقت، رحل اقامت در تهران افکنده یا در منصبی به در تهران فراخوانده شده است.<sup>۲</sup> این ممیز ناشناس بعدتر در قصیده‌ای مستوفی، امیراسماعیل میرزا معزالدوله را مدح گفته است و به سبب قید لقب «معزالدوله» به جهت این شاهزاده قاجار و اشارت بر حکومت امیراسماعیل میرزا معزالدوله بر کاشان، می‌توان در نظر داشت که نگارنده پس از سال ۱۲۹۹ ه.ق نیز در قید حیات بوده است<sup>۳</sup> و شاهد دیگر در تصدیق این ظن، نقل اوست از اشعار موسی خان سرهنگ، متخلص به سرهنگ و خلف محمد باقرخان بیگلریگی، که مطابق اشارت مندرجات تذکره، نگارنده در ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ ه.ق در تهران به حضور نام‌برده رسیده و غزلیاتی چند از شخص موسی خان شنیده و ضبط کرده است.<sup>۴</sup> جز آن، نگارنده تذکره از روایطی حسنه با اخلاف شاهزادگان نسل نخست قاجار، یعنی نوادگان حسینعلی میرزا فرمانفرما، حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه و محمد تقی میرزا حسام‌الدوله برخوردار بوده است، بدان سبب که می‌توان در جای جای تذکره او، نقل‌هایی مکرر از احوال، اقوال و آثار اخلاف این فرزندان فتحعلیشاه قاجار را بازجست که تفصیلات مربوط به ایشان و این منقولات، خود در فصلی دیگر تشریح و عرضه خواهد شد.

۵۶۳

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

۱. برای حضورش در «تبریز» و «اصفهان، نهاوند و ساوه»، ترتیباً بنگرید به: تذکره ممیز، ۱۳۰۶ ه.ق: ۱۸۴ و ۲۰۸-۲۱۰.

۲. به جهت تاریخ ملاقات مذکور بنگرید به: تذکره ممیز، ۱۳۰۶ ه.ق: ۱۱۳-۱۱۴.

۳. درباره امیراسماعیل میرزا معزالدوله و مجمعی در احوال او بنگرید به: خزایی، ۱۴۰۳.

۴. به جهت قصیده‌اش در مدح امیراسماعیل میرزا معزالدوله و دیدارش با موسی خان سرهنگ، ترتیباً بنگرید به:

تذکره ممیز، ۱۳۰۶ ه.ق: ۱۹۳-۱۹۶ و ۱۱۷-۱۱۸.

نگارنده مجهول‌الهویه تذکره ممیز، در گزارش طرف نظر یادداشت حاضر از چشمه‌ای در بلوک خزل از توابع نهاوند گزارش می‌دهد که در ایام نزدیک به تحویل سال، محل صید ماهی مردم ایل خزل بوده است. به تتبع و نگرش در طریق زیست اهالی خزل می‌توان دریافت که صید ماهی در منطقه خزل به واسطه گذار رودخانه‌هایی چند از خاک منطقه مذکور، نظیر خرم‌رود (نشأت گرفته از توپسرکان)، قلقل‌رود (پدیده آمده از بهم پیوستن رود سرابی و سرکان-رود)، رود سراب کنگاور (نشأت گرفته از سراب شهرستان کنگاور) و دست‌آخر، رود گاماسیاب (که سرچشمه‌اش در شهر نهاوند جای دارد و از خزل شرقی به غربی در جریان است)، امری است مسبوق به سابقه و معمول در میان اهالی منطقه خزل. چشمه طرف نظر نگارنده تذکره ممیز را در منطقه خزل به نام «چشمه ماهی» بازمی‌خوانند و قریه مجاور آن نیز از دیرباز به همین نام مشهور و خوانده شده است. روستای «چشمه ماهی» که حسب تقسیمات اداری نوین، از جمله قراء دهستان خزل شرقی از توابع بخش خزل شهرستان نهاوند به شمار می‌رود، مطابق سرشماری کشوری سال ۱۳۹۵ خورشیدی، دارای ۳۲۲ نفر جمعیت و یکصد خانوار است و درباره سبقه کدخدایان روستای مذکور و سوابق تاریخی در دست از مالکیت خوانین ایل خزل بر آن روستا، بعدتر در مقالات و مکتوبات دیگری که درباره ایل خزل در دست تحریرند، به سخن خواهیم پرداخت.

۵۶۴

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

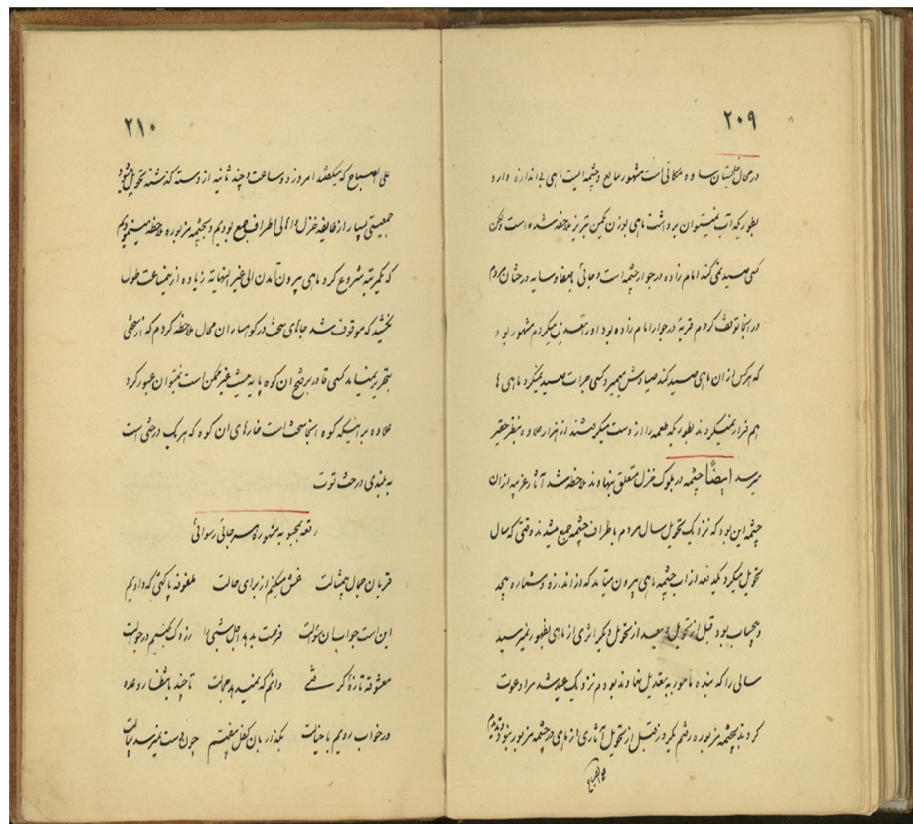
### متن گزارش تذکره ممیز

چشمه [ای] در بلوک خزل متعلق به نهاوند ملاحظه شد [و من جمله] آثار غریبه از آن چشمه این بود که نزدیک تحویل سال، مردم به اطراف چشمه جمع می‌شدند. وقتی که سال تحویل می‌گردید، یک دفعه از آب چشمه، ماهی بیرون می‌آمد که در اندازه و شماره، بی حد و حساب بود. قبل از تحویل و بعد از تحویل، دیگر اثری از ماهی به ظهور نمی‌رسید. سالی را که بنده مأمور به تعدیل نهاوند بودم، نزدیک عید شد و مرا دعوت کردند به چشمه مزبوره رفته‌م. یک روز قبل از تحویل، [۲۰۹] علی‌الصباح آثاری از ماهی در چشمه مزبور نبود و ندیدم. علی‌الصباح که می‌گفتند امروز دو ساعت و چند ثانیه از دسته گذشته، تحویل می‌شود، جمعیتی بسیار از طایفه خزل و اهالی اطراف جمع بودیم و به چشمه مزبوره ملاحظه می‌نمودیم که یک مرتبه شروع کرد ماهی بیرون آمدن الی

۱. درباره رودهای مذکور و حوضه آبریز گاماسیاب، ترتیباً بنگرید به: سعیدیان، ۱۳۶۹؛ رضایی‌مقدم و پیروزی نژاد، ۱۳۹۳.

نکته، حاشیه، یادداشت | گزارشی از تذکره ممیز دربارۀ «صید ماهی نوروزی» در منطقه خزل...

غیرالنهاییه. زیاده از نیم ساعت طول نکشید که موقوف شد. جاهای سخت در کوهساران محال ملاحظه کردم که از سختی به تحریر نمی آید [و] کسی قادر بر فتح آن کوه پایه نیست، غیرممکن است [و] نمی توان عبور کرد. علاوه بر این که کوه آنجا سخت است، خارهای آن کوه که هر یک درختی است به بلندی توت.



صفحات ۲۰۹-۲۱۰ از تذکره ممیز، محفوظ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۵۶۵

آینه پژوهش | ۲۰۹  
سال ۳۵ | شماره ۵  
آذر و دی ۱۴۰۳

## کتابشناسی

- افراسیاب پور، علی اکبر (۱۳۸۰)، تماشای جان (ایران شناسی - نهاوند پژوهی)، تهران: انتشارات عابد.
- جلالوند، گودرز (۱۳۷۸)، «کتابچه جغرافیای ولایت نهاوند و خزل»، مجله فرهنگان، سال نخست، شماره ۲، صص ۶۲-۱۱۱.
- خزایی، علیرضا (۱۴۰۳)، «بررسی و خوانش شرح حال خودنوشت امیراسماعیل میرزا معزالدوله در عصر ناصری»، در: به یاد ایرج افشار، دفتر دوم، به کوشش دکتر جواد بشری، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن، صص ۳۵۷-۳۸۹.
- خزایی، کبری (۱۳۸۹)، «لالایی در فرهنگ مردم خزل»، مجله فرهنگان، شماره ۳۸، صص ۸۳-۱۰۰.
- خزایی، کبری (۱۳۹۰)، «ترانه های نوازشی کودکان در منطقه ی خزل»، مجله فرهنگان، شماره ۴۰، صص ۷۰-۸۶.
- خزایی، کبری (۱۳۹۲)، «کشاورزی در آیین های ضرب المثل ها و کنایات بخش خزل»، مجله فرهنگان، شماره ۴۳، صص ۴۱-۶۱.
- رضایی مقدم، محمدحسین؛ پیروزی نژاد، نوشین (۱۳۹۳)، «بررسی تغییرات مجرا و فرسایش کناره ای در رودخانه گاماسیاب از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۸۹»، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی، سال هجدهم، شماره ۴۷، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- رضوانی گیل کلایی، مجتبی (۱۳۷۷)، پویش انسان در جغرافیا (مطالعه موردی: ایل خزل)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۶۹)، «استان همدان»، سرزمین و مردم ایران، مردم شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی، تهران: مؤسسه انتشارات علم و زندگی.
- شهسواری، فرامرز (۱۴۰۲)، «درباره فرهنگ و زبان قوم لک (۱): لکی و گُردی»، ترجمه و تعلیقات: علیرضا خزایی، دوماهنامه آینه پژوهش، شماره ۲۰۱، مرداد و شهریورماه ۱۴۰۲، صص ۱۷۳-۱۸۲.
- قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۹۷)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار؛ از ربیع الأول ۱۳۰۹ تا صفر المظفر ۱۳۱۰ ق.، به انضمام سفرنامه عراق عجم، به کوشش مجید



عبدامین و نسیرین خلیلی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن.

- محمدی، ذوالفقار (۱۳۷۶)، فاتحان میمک: شامل شرح حماسه خونین میمک، تاریخچه و ویژگی های قومی و فرهنگی ایل خزل، بی جا: انتشارات خصوصی ذوالفقار محمدی.
- ممیز ناشناس، تذکره ممیز یا تذکره ناقص شعرا، نسخه خطی شماره ۱۹۳۰۰، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سنه ۱۳۰۶ ه.ق، کتابت به خط مؤلف، بی جا.
- موسوی زاده، حسن (۱۳۹۵)، «خزل»، در: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۲، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۸۵.
- موسیوند، علی (۱۳۸۵)، «اسنادی درباره خزل»، مجله فرهنگان، سال هشتم، شماره-های ۲۷ و ۲۸، صص ۱۵۲-۱۶۴.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۷)، «یاریگری در میان کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان تیره قلی وند ایل خزل ایلام»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۵۵، صص ۸۹-۱۱۴.
- نوراللهی، علی (۱۴۰۲)، «ساختار اجتماعی-سیاسی ایل خزل ایلام در غرب زاگرس مرکزی از دیدگاه انسان شناسی»، پژوهش های انسان شناسی ایران، سال ۱۳، شماره ۲۴، صص ۱۷۹-۲۱۴.
- همزه ای، محمدرضا (۱۴۰۲)، «درباره فرهنگ و زبان قوم لک (۲): مدخل «لک» از دانشنامه ایرانیکا»، ترجمه و تعلیقات: علیرضا خزایی، دوماهنامه آینه پژوهش، شماره ۲۰۴، بهمن و اسفندماه ۱۴۰۲، صص ۱۲۷-۱۴۰.